

دو فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)  
سال پنجم، شماره ۱۳، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

## نظارت کارآمد بر انتخابات

حسن خسروی<sup>۱</sup>؛ ایرج حسینی صدرآبادی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

### چکیده:

زامداری مطلوب از جمله آرمان‌های والای جامعه بشری است. سازوکار انتخابات، راهکار کارآمدی برای رسیدن به چنین غایتی محسوب شده است؛ اما باید منطبق بر شاخصه‌های منصفانه و عادلانه برگزار شود تا ارزش‌های اجتماعی، حاکمیت مردمی و حکومت قانونمند تضمین گردد. در این راستا شیوه تصدی قدرت، تضمین حقوق بنیادین شهروندان و نظارت کارآمد بر انتخابات موضوعیت می‌یابد. مقاله با هدف تحلیل نظارت کارآمد بر انتخابات، در پی پاسخ‌دهی به این پرسش است که در بستر حقوق عمومی نظارت کارآمد بر انتخابات در مراحل مختلف از چه مبانی، اصول، قواعد، رویه‌ها، سازوکارهای حقوقی و قلمرویی تبعیت می‌نماید؟ موضوع با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با توسل به اصول و قواعد حاکم بر انتخابات منصفانه و رقابتی، شیوه مطلوب نظارت بر انتخابات در مراحل مختلف با استفاده از تجربه مفید برخی کشورها و اسناد معتبر انتخاباتی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به جهت مرتبط بودن انتخابات با ثبات سیاسی، امنیت و نظم عمومی، حقوق شهروندان، حاکمیت ملی و دولت قانونمند، فرایند تصدی قدرت باید تحت کنترل و نظارت کارآمدی قرار گیرد و به دلیل انسجام در برگزاری انتخابات، تضمین حقوق انتخاباتی و انتخابات منصفانه و رقابتی، کل فرایند انتخابات در مرحله قبل، حین و بعد از انتخابات مورد نظارت نهاد مستقل و بی‌طرف انتخاباتی با صلاحیت نظارتی عام قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، نظارت کارآمد، حقوق انتخاباتی، حقوق سیاسی، اصول نظارت.

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hkh.be82@ahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران iraj.sadrabadi@gmail.com

## مقدمه

سلامت انتخابات شاخصه مهم انتخابات رقابتی و منصفانه است و بدون ابزارها و مکانیزم‌های نظارتی و تضمینی، امکان تحقق انتخابات اصیل، مشارکتی و رقابتی وجود ندارد. نهاد «نظارت» تأسیسی برای تضمین سلامت انتخابات محسوب می‌گردد. در واقع اعتبار و اصالت انتخابات در گرو طراحی مکانیزم‌های تضمین بخش حقوق سیاسی و انتخاباتی است و مهم‌ترین جنبه انتخابات اصیل، پذیرش نتایج انتخابات توسط بازیگران و ایجاد اعتماد عموم از فرایند انتخابات می‌باشد. نظر به مراتب مذکور می‌توان به اهمیت و ضرورت تضمین و تأمین سلامت رویه‌های انتخابات با تعبیه نمودن مکانیزم‌های مختلف کنترلی و نظارتی پی برد. محور اصلی فعالیت نهاد ناظر، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات انتخاباتی، صیانت از اصول و موازین انتخابات کارآمد، ایجاد زمینه مساعد برای تحقق انتخابات رقابتی، منصفانه و اصیل است. با این نگرش که نتایج انتخابات بیانگر و انعکاس‌دهنده قصد و اراده واقعی شهروندان می‌باشد. در واقع، نظارت بر انتخابات «راهکاری برای تحکیم نظام مردم‌سالار، کاهش تعارضات و اختلافات، ایجاد امنیت و آرامش در نظام سیاسی می‌باشد» (Brahm, 2004: 4 و خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۰).

برگزاری انتخابات اصیل و مردم‌سالار وابسته به این است که مراحل مختلف انتخابات بر اساس قوانین و مقررات انتخابات و حقوق انتخاباتی برگزار گردد (رنلدز، ۱۳۹۱: ۱۵۳). به منظور تحقق این امر اختیارات و تکالیفی که به موجب قانون به نهاد مدیریت اجرایی انتخابات واگذار می‌شود، باید تحت نظارت قرار گیرد. به این دلیل که ممکن است مجری انتخابات در مسیری خلاف واقع و در جهت منافع و گرایش خاص سیاسی حرکت نماید. بی‌شک، در چنین وضعیتی دیگر نمی‌توان منتظر تضمین حقوق سیاسی و انتخاباتی شهروندان و کاندیداها بود و در واقع مجری انتخابات، در خدمت منافع طبقاتی گروهی خاص قرار می‌گیرد و یا حتی مجری انتخابات در انجام وظایفش کوتاهی و قصور داشته باشد. به جهت جلوگیری از معضلات فوق، نظارت کارآمد بر انتخابات بسیار اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف متعددی از نظارت بر انتخابات دنبال می‌شود. هدف کلی این است که حقوق سیاسی شهروندان و جابجایی قدرت بر اساس اراده واقعی مردم تضمین شود و در واقع نظارت نقش مهمی

«در تحکیم نظام دموکراتیک و افزایش مشروعیت نظام سیاسی از منظر داخلی و جهانی» ( Council of Europe, 2003: 5 و کارور و آلپرن، ۱۳۹۴: ۱۸-۵۰) دارد. اهداف نظارت به طور کلی عبارتند از: ۱. افزایش اعتبار و اصالت انتخابات ۲. حسن اجرای قوانین و مقررات ۳. جلوگیری از بروز تخلفات و جرایم انتخاباتی ۴. مدیریت کارآمد انتخابات ۵. استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات انتخاباتی ۶. برگزاری انتخابات رقابتی ۷. پاسخگو نمودن مقامات و نهادهای انتخاباتی ۸. ایجاد شفافیت در فرایند انتخابات ۹. بهبود اعتماد و اطمینان عمومی از صحت فرایند انتخابات ۱۰. کمک مؤثر به حل تعارضات و اختلافات ۱۱. تأمین دلایل و اسناد معتبر برای اعتراضات و شکایات ۱۲. ارزیابی دقیق عملکرد مأموران انتخاباتی (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۵۰).

جهت تضمین اهداف یاد شده، نظارت بر انتخابات می‌تواند به دو روش کوتاه مدت (صرفاً روز رای گیری) و بلند مدت (کل فرایند انتخابات) طراحی شود (Szolnoki, Peterson, 2006: 17, 3, 2005). مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این پرسش است: در بستر حقوق عمومی نظارت کارآمد بر انتخابات در مراحل مختلف از چه مبانی، اصول، قواعد، رویه‌ها و سازوکارهای حقوقی و قلمرویی تبعیت می‌نماید؟

پاسخ اولیه مبتنی بر این فرض است که نظارت کارآمد بر انتخابات بر ارزش‌های نظام مردم‌سالار، اصول و قواعد انتخابات رقابتی و منصفانه استوار می‌گردد و به جهت تضمین حقوق انتخاباتی، سلامت و اعتبار انتخابات، کلیه مراحل انتخابات تحت نظارت ناظر بی‌طرف و مستقل قرار می‌گیرد.

تحقیق حاضر از آن جهت ضرورت دارد که با درک کارکرد انتخابات در نظام مردم‌سالار و اصول و قواعد حاکم بر انتخابات رقابتی و منصفانه، مفهوم و قلمرو دقیقی از نظارت در مراحل مختلف انتخابات به منظور تعیین جایگاه مقام ناظر و تفکیک قلمرو صلاحیت آن از نهاد اجرا که در کلیات، قابل انطباق با اکثر نظام‌های انتخاباتی باشد، ارائه شود. جهت گردآوری داده‌ها و تحلیل مطالب، از مفاهیم بنیادین حقوق عمومی، اصول و قواعد انتخابات منصفانه و اسناد معتبر انتخاباتی استفاده می‌گردد تا بتوان به تحلیل مبانی، اصول، قواعد، سازوکارها، ارکان و قلمرو نظارت کارآمد بر انتخابات در بستر حقوق عمومی و حقوق انتخاباتی دست یافت. در مقاله مفهوم نظارت، مبانی توجیهی، اصول حاکم بر انتخابات، سازماندهی و مراحل مختلف نظارت بر انتخابات بررسی و تحلیل می‌گردد.

### ۱. مفهوم نظارت بر انتخابات

نظارت از لحاظ لغوی به معنای مراقبت در اجرای امور آمده است و ناظر کسی است که مراقب اجرای یک امر باشد (معین، ۱۳۹۰: ۱۲۳۴) و در اصطلاح به شخصی گویند که عمل یا اعمال نماینده، شخص یا اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد و صحت و سقم آن عمل یا اعمال را با مقیاس معینی که مشهود است، می‌سنجد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۰۶ و ایوبی، ۱۳۷۹: ۵-۱۵). از نظر اصطلاحی، نظارت مکانیزمی است در جهت انطباق تصمیمات و اقدامات اتخاذ شده با اصول و موازین برتر اخلاقی و حقوقی و اطمینان از درستی یا نادرستی آنها (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

نظارت مستلزم مشاهده و ارزیابی تصمیم اتخاذی است نه تغییر یا اصلاح آنها، بلکه پس از تشخیص واقعیت و انطباق با اصول و موازین مربوطه، صحت و سقم آنها را مشخص و برای اصلاح به واضع تصمیم عودت داده شود یا اقدام به ابطال آنها نماید. لذا باید حوزه تصمیم‌گیری و اجرا و حوزه نظارت از یکدیگر تفکیک شوند و ناظر در حوزه اخذ تصمیم و اجرا دخالت ننماید. در واقع نظارت بر انتخابات عبارت است از: «رویه‌ایی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با فرایند انتخابات بطور سیستم‌وار و تهیه گزارش و ارزیابی مدیریت اجرای انتخابات بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده توسط ناظران بدون دخالت در فرایند انتخابات» (IDEA, 2005: 2 and IDEA, 2000: 14-15). با چنین تعریفی شاید بهتر بتوان قلمرو مفهومی نظارت بر انتخابات را درک نمود؛ چرا که مفاهیم مرتبط با واژه نظارت باید مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که چه نوع نظارتی ضرورتاً بر انتخابات باید اعمال گردد. برای روشن شدن ماهیت و مفهوم نظارت بر انتخابات، سه واژه Observation, Monitoring, Supervision به ترتیب به معنی ارزیابی، کنترل و مشاهده مستخرج از اسناد انتخاباتی و دیدگاه صاحب نظران انتخاباتی را بررسی می‌نماییم:

#### ۱-۱. رویکرد مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری‌های انتخاباتی<sup>۱</sup>:

در سند مربوط به کدهای رفتاری مدیریت انتخابات (IDEA, 1997: 17)، مؤسسه فعال در حوزه انتخابات، بین واژه ارزیابی و کنترل با مشاهده، تفاوتی مطرح و عنوان نموده است که بین آنها همواره خلط مبحث می‌شود؛ چرا که هر سه نوع فعالیت مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با فرایند

1. International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA).

انتخابات است، پس منجر به نوعی قضاوت و ارزیابی درباره آن فرایند بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، می‌باشد. اما در عمل تفاوتی بین دو واژه اول با واژه Observation وجود دارد با این دلایل که: ۱. کنترل کننده و یا ارزیابی کننده صلاحیتی بیشتر از مشاهده‌گر دارد. ۲. کنترل کننده و یا ارزیابی کننده با توجه به صلاحیت وسیع‌ترش، معمولاً قلمرو دخالتی بیشتری از مشاهده‌گر دارد. بر اساس این سند، مشاهده‌گر صرفاً به مشاهده وقایع انتخابات، گردآوری اطلاعات، ثبت آنها بدون دخالت در فرایند انتخابات می‌پردازد. اما کنترل کننده علاوه بر موارد مذکور، در فرایند انتخابات با تصمیمات و اقدامات خاص دخالت می‌کند اگر قوانین مربوط مورد نقض و خدشه قرار گیرند و همچنین واژه ارزیابی و قضاوتی دلالت بر نوعی نظارت تاییدی یا تصدیقی اعتبار همه یا بخشی از فرایند انتخاب را دارد.

### ۲-۱. رویکرد اتحادیه آفریقایی:

اتحادیه آفریقایی در سند مربوط به اصول راهبردی نظارت بر انتخابات، بر مفاهیم اشاره شده در خصوص سه واژه فوق ذکر در سند IDEA تاکید نموده است و در مرحله سرپرستی عنوان نموده است که سرپرستی می‌تواند قبل، در حین و بعد از اخذ رأی نیز انجام شود (Union Africa, 1990: 5).

### ۳-۱. نگرش بجورنلوند:

نظریه پرداز مشهور انتخاباتی، در کتاب «انتخابات آزاد و منصفانه» مفهومی روشن از واژه‌های یاد شده ارائه کرده است. وی معتقد است که واژه‌های Observation و Monitoring به ابعاد و قلمروهای متفاوتی اشاره دارند: ۱. درجه فعالیت در فرایند انتخابات ۲. دوره زمانی که فعالیت‌ها در آن رخ می‌دهد. با توجه به درگیری در فرایند انتخابات Observation بطور کلی اشاره به چیزی دارد که بطور وسیعی کم اثر است، در حالی که Monitoring دلالت بر فعالیتی دارد که تا حدی دارای قلمرو دخالتی و درگیرانه بیشتری است. از نقطه نظر دوره زمانی نیز Observation یک درگیری و حوزه مختصرتری را نسبت به Monitoring بیان می‌دارد. فعالیت سازمانهای بین‌المللی و ناظران داخلی مصداق عملی این معنا و مفهوم هستند؛ چرا که صرفاً در یک دوره زمانی کوتاه و بویژه در روز رأی‌گیری یا در شمارش آراء حضور دارند و به آنها Observers گفته می‌شود (Bjornlund, 2004: 8-30).

نگارنده بر این اعتقاد است که واژه Observation دلالت بر مشاهده و ملاحظه وقایع انتخاباتی (قبل، در حین و بعد اخذ رأی) و جمع‌آوری اطلاعات و ثبت و گزارش آنها به مقامات بالاتر نظارتی جهت بررسی، ارزیابی و قضاوت در خصوص کیفیت برگزاری انتخابات از جهت رعایت قوانین و مقررات و درجه منصفانه و رقابتی بودن آن، خواهد داشت. اما واژه Monitoring علاوه بر موارد یاد شده مستلزم دخالت در فرایند انتخابات هر جایی که ضرورت داشته باشد؛ مثل دخالت در حل و فصل اختلافات احزاب و رقبا در فعالیتهای انتخاباتی، چنین دخالتی به عهده نهاد مدیریت اجرایی انتخابات می‌باشد، چرا که این نهاد مسئول حسن اجرای قوانین و مقررات و انجام فرایند انتخابات می‌باشد و تمام کمیسیون‌ها و هیأت‌های اجرایی بازوی اجرایی این نهاد در انجام وظایف و اختیاراتش می‌باشند، پس نوعی رابطه سلسله مراتبی را ایجاد می‌نماید و در این رابطه لزوم کنترل‌های بازدارنده یا پیشگیری و تعقیبی را به دنبال خواهد داشت. در این نوع کنترل، نهاد مدیریت اجرایی انتخابات می‌تواند با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها مأموران را در انجام وظایف هدایت کند و همچنین اقدامات و تصمیمات آنها، چنانچه مخالف و مغایر قوانین و مقررات باشد را اصلاح، تغییر یا ابطال نماید.

واژه Supervision، دلالت بر نوعی ارزیابی و قضاوت است و مستلزم وجود یک نهاد خارج از مدیریت اجرایی انتخابات می‌باشد تا بیرون از این نهاد، فعالیت‌ها، اقدامات، تصمیمات نهاد مدیریت انتخابات و کمیسیون‌های فرعی را مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهد. در واقع، حوزه و قلمرو قضاوتی، بررسی و ارزیابی اقدامات نهاد مدیریت اجرایی انتخابات و تشخیص صحت و سقم آنها، و در صورت لزوم بررسی شفافیت، اصالت، صحت و اعتبار هر یک از آنها در صورت وجود اعتراض و شکایات (بدوی یا تجدیدنظری) می‌باشد. معمولاً نهادهای بی‌طرف و مستقل، وظیفه ارزیابی، اصالت و صحت انتخابات را در قالب بررسی و شکایات و اعتراضات انتخاباتی را بر عهده دارند که بیشتر این نهادها جنبه قضایی دارند.

نتیجه اینکه، امر مشاهده و ملاحظه به عهده ناظران اخذ رأی می‌باشد و آنها حق دخالت در فرایند انتخابات را ندارند و صرفاً به ثبت و گزارش وقایع انتخاباتی می‌پردازند. امر کنترل فرایند انتخابات به عهده نهاد مدیریت اجرایی انتخابات که بصورت سلسله مراتبی، اقدامات و تصمیمات کمیسیون‌های زیر مجموعه را زیر نظر دارد، می‌باشد و در صورت مشاهده هر گونه نقض قانون دستور اصلاح، تغییر و ابطال آنها را صادر می‌نماید و چه بسا، بخشی از اشتباهات و اعتراضات واصله

را بررسی می‌نماید و ممکن است تجدیدنظر از آنها در مرجع قضاوتی یا مدیریت حل و فصل اختلافات مطرح شود و امر ارزیابی و قضاوت دلالت بر بررسی صحت و سقم اقدامات و تصمیمات نهاد مدیریت اجرایی انتخابات و رسیدگی به شکایات و اعتراضات و تجدیدنظر از تصمیمات و اقدامات نهاد مدیریت انتخابات، خواهد داشت. چنین نهادی می‌تواند دستور اصلاح تصمیمات نقض‌کننده قوانین و مقررات یا ابطال آنها را صادر نمایند، نظیر ابطال نتیجه انتخابات، رسیدگی به جرایم انتخاباتی، پرداخت و جبران خسارت. در نهایت اینکه نظارت بر انتخابات بر مشاهده، ارزیابی، انطباق تصمیمات مجری با قوانین، رسیدگی به اعتراضات و شکایات و ابطال تصمیمات مغایر با قوانین دلالت دارد و مفهوم Monitoring در قلمرو کنترل انتخابات توسط مدیریت اجرایی قرار می‌گیرد.

## ۲. مبانی توجیهی نظارت بر انتخابات

نظارت بر انتخابات به منظور تضمین ارزش‌های مردمی، ثبات سیاسی و حقوق شهروندان صورت می‌گیرد و عمدتاً بر مبادی فکری نظام مردم‌سالاری موجه سازی می‌گردد که به عمده‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. کرامت انسانی

ارزشمندی انسان می‌تواند «یک توجیهی برای حق‌های بشری باشد. یعنی اینکه انسان صاحب حق است، از آن جهت دارای حرمت و کرامت است» (Orend, 2002: 87). کرامت دلالت دارد بر نوعی ارزش ذاتی که بطور برابر متعلق به همه انسان‌ها می‌باشد و این ارزش لازمه وجودی ماهیت انسانی است و در حقیقت در ذات بشر وجود دارد و دائمی، غیرقابل تغییر می‌باشد. بر اساس چنین مفهومی، نوعی تکلیف بر دیگران ایجاد می‌شود که به نحو شایسته‌ای با یکدیگر رفتار کنند. براساس این مفهوم، کرامت انسانی یک مفهومی است که شروط اخلاقی دقیق و سختی را بیان می‌دارد. لذا در نظر کانت، به عنوان «ارزش» (کانت، ۱۳۸۳: ۱۰۰) تفسیر می‌شود. بنابراین وقتی در انتخابات صحبت از حق رأی یا حق مشارکت سیاسی به عنوان حق‌های سیاسی می‌شود، در حقیقت منبعث از اصل کرامت ذاتی انسانی است و طراحی سازوکار نظارت بر انتخابات اصیل، زمینه ساز و عینی بخش ماهیت کرامت انسانی در قالب پوشش دادن به ارزش والای انسانی و توجه به مطالبات فطری و طبیعی بشر است.

## ۲-۲. حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت یکی از بنیادی‌ترین حق‌های انتخابات است که بطور مستقیم در خدمت ارزش‌های مردم‌سالاری می‌باشد. اساساً حق تعیین سرنوشت، حق مردم به تعیین تقدیر و سرنوشت خود به طور فردی و جمعی است. در عمل این حق به مردم اجازه می‌دهد تا وضعیت سیاسی، ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش را رقم بزنند و توانا به تعیین نوع و محتوای ساختار حقوقی و سیاسی کشور خود باشند. از این رو، «حق تعیین سرنوشت مستلزم یک حق مردمی است که در یک سرزمین سازمان یافته‌اند تا اینکه سرنوشت و هویت جمعی سیاسی‌شان را در یک شیوه دموکراتیک تعیین نمایند و همچنین یک سنگ بنای محکم تحکیم نظام مردم‌سالار است» (Franck, 1992: 52).

به منظور تضمین این حق، فرایند انتخابات الزاماً تحت سازوکارهای نظارت کارآمد قرار گیرد و هر گونه کاستی در نظارت بر انتخابات و عدم اجرای صحیح قوانین و مقررات انتخاباتی، منجر به نقض حق تعیین سرنوشت شهروندان خواهد شد.

## ۲-۳. حق انتخاب نمودن و انتخاب شدن

حق انتخاب یا حق رأی، حقی است که فرد به اعتبار عضویت‌اش در جامعه سیاسی، جهت شکوفایی خود و تأثیرگذاری به طور برابر بر تصمیمات جمعی در نظام مردم‌سالار از آن برخوردار می‌باشد. در نظام‌های مردمی «ضروری است که مردم خود تصمیم بگیرند کدام شخص یا اشخاص رهبران آنها باشند و بر ایشان حکومت کنند. بدون انتخابات منصفانه و رقابتی امکان برقراری جامعه مردم‌سالار وجود ندارد و بدون این که مقامات دولتی به طور دائم در معرض پاسخگویی به رای دهندگان باشند، به هیچ‌وجه نمی‌توان تضمینی برای اجراء یا استیفای حقوق آنان یافت. لذا حق رأی نه تنها یکی از مهم‌ترین آزادی‌های فردی است، بلکه سنگ زیربنای حکومت قانونمند نیز می‌باشد» (Forging Affairs Administer, ۲۰۰۷: ۷). افراد به جهت اینکه دارای ارزش برابر هستند، لذا از ارزش و شانس برابر نیز برای تصدی امور عمومی برخوردار می‌باشند و اعطای حق کاندیدا شدن، تضمین‌بخش ارزش برابری افراد در دسترسی به خدمات عمومی باشد.

بسیار بدیهی است که کنترل فرایند انتخابات در راستای اجرای دقیق قوانین و مقررات و موجبات تضمین حقوق بنیادین انتخابات از جمله حق رای و حق کاندیدا شدن نامزدهای انتخاباتی را تضمین



می‌نماید و لزوم نظارت بر انتخابات به منظور صیانت از حق‌های انتخاباتی و سلامت کامل انتخابات را ضروری می‌نماید.

### ۳. اصول راهبردی نظارت بر انتخابات

نظارت کارآمد و مؤثر در نتیجه تبعیت از قوانین و مقررات و رعایت اصول ارزشی و کارآمدی نظام دموکراتیک حاصل می‌شود. در واقع، با اجرای چنین اصولی است که می‌توان ارزیابی و قضاوتی درست در خصوص خصایص منصفانه و آزاد بودن انتخابات داشت.

#### ۱-۳. اصل بی‌طرفی:

بر اساس این اصل ناظران باید از میان افراد غیر حزبی و طرفدار تحقق عدالت و انصاف انتخاب شوند. آنچه که برای ناظر در حین انجام وظیفه مهم است اینک، مدیریت انتخابات، فرایند انتخابات را مطابق قوانین و مقررات و اصول ارزشی و کارآمدی انتخابات انجام دهد و در مقام حسن اجرای قوانین برآید. جنبه‌های مختلفی می‌تواند تأمین‌کننده بی‌طرفی ناظران تلقی شود، لذا ناظران می‌بایستی: «۱. به شیوه‌ای کاملاً بی‌طرفانه و به دور از هر گونه تعصب نسبت به مسئولین کشور (از جمله تشکیلات مدیریت انتخابات)، احزاب، کاندیداها، رأی‌دهندگان، رسانه‌های جمعی و جراید رفتار نمایند؛ ۲. از انجام هر فعلی که دلالت بر حمایت جانبدارانه از یک کاندیدا و حزب یا یک هوادار سیاسی و یا یک گرایش سیاسی داشته باشد یا حتی در ظاهر چنین نشان دهد خودداری کنند؛ ۳. هر گونه ارتباط با مسئولین یا تشکیلات خاصی که مغایر با اجرای بی‌طرفانه وظایف نظارتی می‌شود را کتمان نکنند. ۴. هیچ‌گونه هدیه یا کمکی را از یک فرد یا سازمان یا حزب سیاسی که در فرایند انتخابات ذینفع است، نپذیرند. ۵. در هیچ‌گونه فعالیتی که نشان‌دهنده حمایت و هواداری حزب یا کاندیدای خاص است شرکت نکنند؛ ۶. اظهار نظری در خصوص موضوعاتی که احتمالاً یک چالش و اختلافات را در انتخابات ایجاد کند ننمایند؛ ۷. ارتباط خاص حمایتی با رأی‌دهنده نداشته باشد؛ ۸. از پوشش و علاماتی که نشان‌دهنده حمایت از گرایش سیاسی باشد استفاده نکند» (IDEA, ۲۰۰۳: ۱۶).

### ۲-۳. اصل شفافیت:

شیوه نظارت ناظران باید بر پایه و مبنای قانونی و مطابق با اصول و روش‌های نظارتی باشد و ناظران در تهیه گزارشات خود باید اسناد و مدارک را جهت هر گونه ارزیابی منصفانه ضمیمه نمایند که چنین اسنادی شفافیت و اعتبار گزارش آنها را افزایش می‌دهد. از این رو، ناظر می‌بایستی «۱. اهداف نظارت خود را چه در آغاز انتخابات و چه در زمان گزارش مشخص نماید؛ ۲. اطلاعات را با مدارک و اسناد و به روش علمی جمع‌آوری نماید؛ ۳. جهت ارائه یک ارزیابی کلی و نهایی از فرایند نظارت بر انتخابات به مدیریت انتخابات، آماده باشد؛ ۴. اگر لازم و شایسته بود، مدیریت انتخابات را از کاستی‌های موجود در خصوص فرایند انتخابات مطلع سازد؛ ۵. نتایج حاصل از نظارت حوزه را به عموم اعلام نماید» (IDEA, ۲۰۰۳: ۱۶).

### ۳-۳. اصل حرفه‌ای بودن:

به دلیل حساسیت و ظرافت امر نظارت بر انتخابات، ناظران باید از آموزش‌های لازم بهره‌مند شده باشند و به اندازه کافی از تخصص، تجربه و دانش در خصوص مسائل سیاسی، حقوقی، مدیریتی، اداری، نظارتی و انتخاباتی برخوردار باشند.

### ۴-۳. اصل پاسخگویی:

ناظران باید در تهیه گزارش خود، اقدامات و فعالیت‌ها و تصمیمات خود را موجه سازند و در قبال سؤالات، ابهامات و مشکلاتی که در خصوص نحوه انجام فعالیتشان مطرح می‌شود، در برابر مسئولان و مدیران اجرایی و نظارتی و عموم و سایر افراد و نهادهای ذی‌صلاح پاسخگو باشند. در واقع، هر گونه ارزیابی و قضاوت آنها در خصوص کیفیت فرایند انتخابات باید مبنای قانونی، علمی، اخلاقی، عقلی و منطقی داشته باشد. همچنین از لحاظ سلسله مراتبی باید پاسخگو در برابر نهادهای بالاتر نظارتی انتخابات باشد.

### ۳-۵. اصل صحت و دقت:

ناظران باید در انجام وظایف خود نهایت دقت را انجام دهند، چون بیم هرگونه تخلف و ارتکاب جرم در فرایند انتخابات وجود دارد. از این رو، در تهیه گزارش خود باید مشاهدات خود را دقیقاً بطور مستدل و مستند مکتوب نمایند.

### ۳-۶. اصل استقلال:

به جهت اعمال نفوذهای سیاسی و ناروا، بویژه توسط رقبا برای برنده شدن، نهاد نظارت‌کننده باید از لحاظ ساختاری و عملکردی مستقل از قوای سه‌گانه و نهادهای خاص باشد تا بتواند وظایف خود را بی‌غرضانه و در کمال آزادی اراده و اختیار مطابق با واقع انجام دهد.

### ۳-۷. اصل جامعیت:

ناظران باید کل فرایند انتخابات و تمام فاکتورهای تأثیرگذار بر جریان انتخاباتی را مورد نظارت قرار دهند، نظیر وجود آزادی‌های سیاسی، رعایت حقوق انتخاباتی، عملکرد کلیه مقامات و نهادهای حکومتی، رخدادهای سیاسی و فرهنگی در جامعه، عملکرد رسانه‌ها و احزاب سیاسی.

## ۴. سازماندهی نظارت بر انتخابات

بر اساس مفاهیم بنیادین حقوق عمومی و لزوم کنترل- پاسخگویی دولت، نهادها و مقاماتی بطور مستقیم و غیر مستقیم مکلف به نظارت بر فرایند انتخابات هستند. در واقع این نهادها در قالب «نظارت داخلی و ملی» (Szolnoki, 2005: 3) خلاصه می‌شوند. وظیفه این نهادها و مقامات داخلی، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و در جهت تضمین سلامت و مشروعیت انتخابات و جلوگیری یا اصلاح اشتباهات، خطاها و تخلفات است. به طوری که نتیجه عملکرد اینها تضمین بخش اصول ارزشی و کارآمدی حاکم بر انتخابات منصفانه و رقابتی می‌باشد. نظارت بر انتخابات را می‌توان به دو دسته نظارت رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود:

#### ۴-۱. نظارت غیررسمی:

نظارتی است که بطور غیرمستقیم و اختیاری توسط نهادهای عمومی، مردمی یا حزبی صورت می‌گیرد و هدف از این نوع نظارت شفاف‌تر و پاسخگوتر نمودن فعالیت نهاد مدیریت انتخابات، کمک به بهبودی اعتبار انتخابات، افزایش اعتماد و اطمینان مردم از صحت جریان انتخابات، جلوگیری از بروز تخلفات، تقلبات و جرایم انتخاباتی می‌باشد. حوزه و قلمرو نظارت در این نوع نظارت، محدود به مشاهده و ملاحظه وقایع فرایند انتخابات و گزارش و انعکاس آنها برای شهروندان یا مقامات و نهادهای ذی‌صلاح و ارائه تذکرات، انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی می‌باشد. ناظران این نوع نظارت شامل موارد ذیل است:

##### ۴-۱-۱. شهروندان:

از اصول و پایه‌های اساسی نظام مردم‌سالار، نظارت عموم بر عملکرد حاکمان به منظور جلوگیری از استبداد و تأمین منافع عمومی می‌باشد. شهروندان در فرایند انتخابات می‌توانند چنین نظارتی را بر عملکرد مأموران و مسئولان انتخاباتی با مشاهده مسائل انتخاباتی و مطرح نمودن سؤالات، ابهامات و اشکالات و الزام آنها به پاسخگویی کارآمد، پیاده نمایند. راهکارهای عملی نمودن این نوع نظارت توسط شهروندان و رأی‌دهندگان این است که رأی‌دهنده با حضور در حوزه رأی‌گیری هنگام رأی‌دادن، اوضاع و احوال پیرامون خود را به دقت بنگرد و چنانچه رویه‌ها و اعمال مغایر قوانین و مقررات مشاهده نمود، اقدام به ایراد تذکر و اعتراض جهت اصلاح عمل یا تصمیم نمایند.

##### ۴-۱-۲. نهادهای جامعه مدنی:

نهادهای مدنی به عنوان نهادهای واسطه‌ایی بین شهروندان و دولت (مولانا، ۱۳۸۲: ۵) نقش مؤثری در تحقق حق نظارت مردم بر عملکرد حاکمان و پاسخگو نمودن آنها ایفا می‌نماید. چنین نهادهایی ضمن تعلیم و آموزش دانش سیاسی و اطلاعاتی به رأی‌دهنده می‌توانند با ارسال نمایندگان خود در نهادها و کمیسیونها انتخاباتی، فرایند انتخابات را تحت نظارت قرار دهند و در واقع به نمایندگی از مردم، نهاد مدیریت انتخابات را متوجه انجام وظایف خود مطابق قوانین و مقررات نمایند. نمونه بارز این نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و احزاب سیاسی هستند.

### ۳-۱-۴. رسانه‌ها:

رسانه‌های گروهی (عمومی و خصوصی) به عنوان یک ابزار نظارتی بسیار قوی و اثربخش نقش مؤثری در تضمین سلامت انتخابات خواهند داشت. رسانه‌هایی نظیر رادیو، تلویزیون، سایت‌های خبری، روزنامه، نشریه و غیره، می‌توانند کمک فراوانی در تحقق حق نظارت، حق دسترسی به اخبار و اطلاعات سیاسی و انتخاباتی مردم، ایجاد شفافیت در فرایند انتخابات و پاسخگو نمودن نهادها و مقامات انتخاباتی، نمایش تخلفات و سوء استفاده‌ها و نقض قانونهای احتمالی، نقد و ارزیابی عملکرد فعالیت‌های انتخاباتی، شفاف نمودن فرایند انتخابات نمایند.

### ۲-۴. نظارت رسمی:

نظارتی است که در آن قانونگذار صلاحیت و اختیاراتی در جهت نظارت بر انتخابات را به طور کلی یا جزئی به مقامات و نهادهایی واگذار می‌نماید. متولیان چنین نظارتی حق دارند در چارچوب صلاحیت قانونی خود، فرایند انتخابات را مورد نظارت و ارزیابی قرار دهند. این نوع نظارت توسط موارد ذیل انجام می‌شود:

#### ۱-۲-۴. نمایندگان احزاب سیاسی و کاندیداها:

به جهت ذینفع بودن احزاب و کاندیداها در نتیجه انتخابات، اکثر قوانین انتخاباتی به آنها اجازه می‌دهند به طرق مقتضی بر فرایند انتخابات نظارت نمایند تا پاسدار و تضمین‌بخش حقوق سیاسی و انتخاباتی خود باشند. آنها فعالیت‌ها و عملکرد رقبای خود و مسئولین و مأموران انتخاباتی را تحت نظارت خود قرار می‌دهند، تا انتخابات مطابق با قوانین و مقررات برگزار شود. در واقع، این نمایندگان ضمن اینکه حامی و حافظ منافع احزاب و کاندیداها می‌باشند، «نقش مهمی در حفظ سلامت انتخابات و جلوگیری از بروز تخلفات، تقلبات و نقض احتمالی قوانین را خواهند داشت» (IDEA, ۱۹۹۹: ۳).

#### ۲-۲-۴. نظارت سلسله مراتبی مدیریت اجرایی:

مسئولیت اصلی برگزاری انتخابات مطابق قوانین و مقررات به عهده نهاد مدیریت اجرایی انتخابات می‌باشد. از آنجایی که انتخابات نیازمند یک سازماندهی منسجم و یکپارچه می‌باشد و هر کدام از مراحل تأثیرگذار بر مراحل دیگر است، مقتضی است تا نهاد مدیریت انتخابات، اشراف کاملی بر انجام وظایف و مسئولیت‌هایش در کل فرایند انتخابات داشته و بر نحوه اجرایی شدن وظایف و

اختیارات اش توسط مقامات و مأموران مآدون نظارت داشته باشد. کلیه کمیسیون‌ها و مدیران و مأموران انتخاباتی که در زیر شاخه نهاد اصلی مدیریت انتخابات قرار دارند، به دلیل عملی نمودن وظایف و اختیارات نهاد اصلی انتخابات، در یک نظام سلسله‌مراتبی و طولی با این نهاد قرار دارند و قواعد چنین نظامی بر آنها اجرا می‌گردد. از جمله این قواعد حق نظارت مطلق نهاد اصلی انتخابات بر کلیه اقدامات، تصمیمات و عملکردهای کمیسیون‌های مآدون در قالب دو نظارت ارشادی و تعقیبی می‌باشد. در نظارت ارشادی، این نهاد مکلف است تا آموزش‌های لازم را به تمام مدیران و مأموران انتخاباتی پیش از انتخابات در قالب کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی ارائه نماید و با صدور دستورالعمل‌ها ارشادی، راهبردی، الزام‌آور و اجرایی آنها را در مسیر انجام درست و کارآمد وظایف و اختیارات اعطایی قرار دهد. در نظارت تعقیبی نیز این نهاد مکلف است تا مراقبت نماید فرآیند انتخابات مطابق قوانین و مقررات صورت گیرد و در صورت مشاهده هرگونه کاستی، قصور، تخلف، اقدام به اصلاح، تغییر یا ابطال تصمیمات و اقدامات مقامات و مأمورین مآدون و اتخاذ تصمیم جدید بنماید. در طول فرآیند انتخابات، همواره شاهد اعتراضات و شکایات نسبت به تصمیمات و عملکردهای مدیران و مأموران انتخاباتی در بخش‌های مختلف از سوی بازیگران و مقامات ذی‌صلاح هستیم، که بخشی از این اعتراضات و شکایات که جنبه و ماهیت جرم را ندارند قابل طرح و بررسی در نهاد اصلی انتخابات است. البته بخشی از اعتراضات و شکایات ابتدائاً توسط همان مدیر یا مأمور صادرکننده تصمیم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت عدم رفع مشکل، اعتراض و شکایت قابل طرح در کمیسیون‌های بالاتر و نهایتاً نهاد اصلی انتخابات می‌باشد. اینکه چه اعتراضات و شکایتهایی قابل طرح در مجموعه سلسله‌مراتبی نهاد مدیریت اجرایی انتخابات می‌باشد، در قسمت مدیریت حل و فصل اختلافات بحث خواهد شد. نتیجه اینکه، نوع نظارت این نهاد جنبه کنترلی یا Monitoring دارد.

### ۳-۲-۴. نظارت سازمان یافته نهاد نظارت:

وظیفه اصلی و تخصصی نظارت بر انتخابات به مدیریت نظارتی و عهده‌ناظران ویژه و اختصاصی سازمان یافته می‌باشد که بر کل فرآیند انتخابات نظارت فنی و تخصصی کامل را انجام می‌دهند. در واقع، این نوع نظارت همان مفهوم نظارت رایجی است که از نظارت بر انتخابات درک می‌کنیم، یعنی نظارت «مشاهده‌ای و ارزیابی» در مراحل مختلف انتخابات توسط نهادهای نظارتی. در چنین نظارتی،

ناظران توسط یک نهاد قانونی نظارت، سازماندهی و آموزش داده می‌شوند. این نهاد متناسب با نوع نظام انتخاباتی، ساختار مدیریت انتخابات و نوع نظام سیاسی می‌تواند در چارچوب سازمانی نهاد اصلی مدیریت انتخابات یا خارج از آن طراحی شود. یعنی از لحاظ ساختاری می‌تواند مستقل از نهاد اصلی انتخابات یا خارج از چارچوب سازمانی آن باشد؛ اما در تصمیم‌گیری باید بطور مستقل و بی‌طرفانه عمل نماید.

ناظران صرفاً مکلف هستند تا وقایع انتخاباتی را ثبت و گزارش کنند و در برخی موارد تذکرات لازم جهت اصلاح رویه‌ها یا عملکردهای غلط را بدون دخالت به مدیران و مأموران انتخاباتی ارائه نمایند. همچنین می‌توانند در مقام معترض، اعتراضات و شکایات خود را به مقامات و نهادهای ذیصلاح ارسال نمایند. در نظارت کارآمد «ناظران انتخابات، توسط کمیسیون یا نهاد اصلی مدیریت انتخابات» (Harrop, and Miller, ۱۹۸۷: ۳۹) سازماندهی می‌شوند. به عبارتی نهاد اصلی مدیریت انتخابات هم مسئولیت برگزاری و اجرای انتخابات را به عهده دارد و هم مسئول حسن اجرای قوانین و مقررات از طریق بکارگیری ناظران در کمیسیون‌های مختلف زیر شاخه‌ای انتخاباتی می‌باشد (Rose, 2000: 220 و ر.ک: صمدی، ۱۳۷۴: ۸۰-۱۲۰؛ گودوین گیل، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۳۰؛ گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۳۵-۸۰). ناظران مدت‌ها قبل از انتخابات جهت آموزش‌های لازم انتخاباتی و نظارتی از سوی کمیسیون انتخابات دعوت می‌شوند و با دریافت آموزش‌های لازم و مجوزات خاص، وظایف خود را بر فرآیند انتخابات (قبل، حین و بعد از اخذ رأی) انجام می‌دهند.

## ۵. مراحل نظارت بر انتخابات

انتخابات یک فعالیت یک روزه نمی‌باشد، بلکه فرایندی چند مرحله‌ای است و همه مراحل آن به صورت زنجیروار به هم متصل و مرتبط شده و متأثر از هم می‌باشند. از این رو، بر کلیه مراحل باید نظارت‌های مؤثر صورت گیرد (ر.ک: نیکزاد، ۱۳۹۳: ۲۳-۴۸ و اسلام‌پناه، ۱۳۹۳: ۱۰-۶۰).

### ۵-۱. مراحل قبل از اخذ رأی:

قبل از آغاز رأی‌گیری، بخشی از فرآیند انتخابات توسط نهاد مدیریت انتخابات سازماندهی می‌شود که تصمیمات در خصوص آنها تأثیر بسزایی در روند منصفانه و آزادانه بودن مراحل بعدی خواهد داشت. از این رو، مستلزم نظارت‌های خاصی توسط مأموران نظارت می‌باشد.

### ۱-۱-۵. ثبت نام رأی دهنده:

در این مرحله، نهاد مدیریت انتخابات اقدام به ثبت نام رأی‌دهندگان واجد شرایط قانونی می‌نماید. حساسیت این مرحله به این جهت است که ممکن است افرادی در اثر اشتباه یا خطای مأموران یا تفسیر غلط از قانون یا سوء نیت از دسترسی به ثبت نام محروم گردند و «حق بنیادین رأی» آنها نقض شود، لذا نظارت بر فعالیت‌ها و تصمیمات این مرحله کاملاً منطقی است.

### ۲-۱-۵. ثبت نام احزاب و کاندیداها:

حق بنیادین دیگری که در این مرحله مطرح است، «حق انتخاب شدن و دسترسی برابر به خدمات عمومی» می‌باشد. نظام‌های استبدادی که ادعای دمکراتیک بودن می‌نمایند، به جهت حفظ موقعیت و قدرت خود، به انحای مختلف تلاش می‌کنند تا به دلایل و بهانه‌های مختلف و تفسیرهای شخصی از قانون، احزاب و گروه‌های رقیب را رد صلاحیت نمایند و در واقع کاندیداها و احزاب موردنظر خود را در معرض انتخاب مردم قرار می‌دهند. چنین فعالیت‌هایی نقض آشکار حق فوق‌الذکر و حق انتخاب شهروندان می‌باشد؛ چرا که گزینه‌های مطلوب آنها از این مرحله حذف شده‌اند و دیگر عملاً امکان‌پذیر نیست. از این رو، نظارت دقیق و نظاممند در این مرحله بسیار ضروری است. مسائل مختلفی باید در این مرحله مورد نظارت قرار گیرند. از جمله، آیا اطلاع‌رسانی درست و دقیق برای همه افراد جهت ثبت نام صورت گرفته است؟ آیا رفتار برابری نسبت به همه کاندیداها و احزاب صورت می‌گیرد؟ آیا زمینه مساعد برای ثبت نام همه کاندیداها و احزاب وجود دارد (عاری از هر گونه تهدید و ارباب)؟ آیا شرایط و رویه‌های کاندیداتوری معقول، عینی و منصفانه است؟ آیا این شرایط در قانون بیان شده است؟ آیا فرصت اعتراض و شکایت برای رد صلاحیت شده‌ها وجود دارد؟ آیا به موقع به اعتراضات رسیدگی می‌شود؟ آیا اصول بی‌طرفی، غیر جانبدارانه و حرفه‌ای در بررسی صلاحیت اعمال می‌شود؟

### ۳-۱-۵. فعالیت و رقابت انتخاباتی:

آنچه در این مرحله بیشتر حائز اهمیت است، امکان و فرصت‌های مناسب برای کاندیداها و احزاب تا بتوانند در یک شرایط برابر به رقابت سالم بپردازند و همه آنها این توان را داشته باشند تا از آزادی‌های سیاسی و حقوق انتخاباتی خود در بیان برنامه‌ها، شعارها و اهداف خود بهره‌مند شوند. در



واقع این حق دسترسی به اطلاعات شهروندان است که ایجاب می‌نماید تا اطلاعات دقیقی از برنامه‌ها و اهداف هر یک از کاندیداها و احزاب داشته باشند، جهت اینکه دست به یک گزینش واقعی و آگاهانه بزنند. از آنجایی که همه گروه‌ها و احزاب بالاخص حزب حاکم، تلاش زیادی می‌نمایند تا نبض افکار عمومی را برای برنده شدن در اختیار بگیرند، چه بسا بسیاری از اصول، موازین و حقوق انتخاباتی را نقض نمایند، لذا جلوگیری از تخلفات و نقض حقوق برخی کاندیداها و حفظ شرایط برابر رقابت ضروری است. فاکتورهایی که باید مورد نظارت قرار گیرند، به قرار ذیل می‌باشند:

آیا زمینه رقابت سالم برای همه کاندیداها و احزاب به یکسان وجود دارد؟ آیا فرصت‌ها و امکانات کافی به همه کاندیداها و احزاب برای انجام فعالیت‌های انتخاباتی داده می‌شود؟ آیا همه کاندیداها و احزاب مطابق قانون از کمک‌های دولت استفاده می‌کنند؟ آیا رسانه‌های گروهی در اختیار آنها قرار داده می‌شود؟ آیا کاندیداها و احزاب از کمک‌های دولتی سوءاستفاده نکرده‌اند؟ آیا کمک‌های خصوصی و بیرونی را دریافت نموده‌اند؟ آیا آنها از اعمال متقابلانه و فریب‌آمیز در جهت جلب رأی دهندگان استفاده می‌کنند؟ آیا به شکایات و اعتراضات به موقع رسیدگی می‌شود؟

#### ۴-۱-۵. تهیه ملزومات و امکانات انتخاباتی:

وجود امکانات و تجهیزات و کارکنان آموزش دیده و حرفه‌ای نقش بسزایی در برگزاری انتخابات اصیل و معتبر دارد. از این رو، پیش از آغاز رأی‌گیری باید همه امکانات و تجهیزات لازم در حوزه‌های انتخابیه و رأی‌گیری توزیع و مستقر شده باشد. قطعاً هر گونه قصور و کاستی در تهیه و تدارک امکانات و ملزومات رأی‌گیری نقض حقوق انتخاباتی و عدم اعتبار و مشروعیت انتخابات را به همراه خواهد داشت. بر این اساس، بر فرآیند تهیه امکانات و ملزومات رأی‌گیری بالاخص روز قبل از رأی‌گیری نظارت مؤثری صورت گیرد تا هر حوزه انتخابیه و رأی‌گیری، از امکانات کامل و منابع مقتضی برای برگزاری انتخابات کارآمد و منصفانه برخوردار باشد.

#### ۲-۵. مراحل روز رأی‌گیری:

فرآیند اخذ رأی مدت زمانی قبل از گشایش شعب اخذ رأی آغاز و تا پایان بسته شدن آنها ادامه خواهد یافت. در واقع، همه تدابیر و اقدامات انجام شده قبل از روز رأی‌گیری و روز رأی‌گیری بدین خاطر است که رأی‌دهندگان با کمال آزادی اراده دست به گزینش واقعی ترجیحات خود بزنند.

رسیدن به این امر مطلوب مستلزم مدیریت اجرایی کارآمد و نظارت دقیق و منظم بر تمام مراحل رأی‌گیری است. نظارت در روز اخذ رأی به شرح ذیل باید سازماندهی شود:

#### ۱-۲-۵. گشایش شعبه اخذ رأی:

فعالیت‌هایی که باید قبل از گشایش شعبه مورد نظارت قرار گیرند، می‌تواند شامل موارد مختلفی شود نظیر وجود تمام امکانات و تجهیزات، حضور به موقع کارکنان، حضور صرفاً افراد مجاز در محل، طراحی صحیح حوزه جهت استقرار صحیح کلیه پرسنل، بالاخص محل ویژه ناظران و نحوه ورود و خروج رأی‌دهندگان و محل استقرار اتاقک‌های رأی و جعبه رأی، مهرموم کردن جعبه رأی و اطمینان از امنیت و خالی بودن، اطمینان از امنیت کامل محل رأی‌گیری، کنترل کلیه سیستم‌های رایانه‌ای، برگه‌های رأی، مدارک و اسناد، محل نصب اسامی کاندیداها و احزاب، عدم هرگونه تبلیغات انتخاباتی در محل، حضور رسانه‌ها در محل رأی‌گیری، تهیه گزارش کامل از فرآیند نظارت در این مرحله و ثبت کلیه وقایع، تصمیمات، اقدامات و فعالیت‌های مدیریت حوزه رأی‌گیری و ثبت کلیه کاستی‌ها، قصورها و تخلفات این مرحله.

#### ۲-۲-۵. ساعات رأی‌گیری:

فعالیت‌هایی که در این ساعات باید مورد نظارت قرار گیرد به دو مرحله تقسیم می‌شود:

الف. صحت رأی‌گیری: رأی‌گیری باید مطابق دستورات و الزامات مقرر در قانون بدون کم و کاست انجام شود و جای هیچ‌گونه اعمال سلیقه وجود ندارد. به منظور حصول اطمینان از صحت جریان رأی‌گیری، جنبه‌های مختلفی باید مورد نظارت قرار گیرد: رعایت اصل بی‌طرفی و برابری کارکنان نسبت به همه، کارآمدی امکانات و تجهیزات، وجود فضای امن برای کلیه حاضران در محل، کنترل کلیه تخلفات و تقلبات و نقض قانون، آزادی انتخاب رأی‌دهنده (کنترل امنیت، بی‌طرفی، عدم ارباب و تهدید، نوع برخورد، وجود امکانات برای رأی دادن، مخفی بودن رأی، آزادی عمل در گزینش)، کیفیت و دقت فهرست رأی‌دهندگان، هویت رأی‌دهنده، بررسی اصالت اسناد و مدارک هویتی و کارت انتخاباتی، جلوگیری از رأی دادن مجدد، توزیع و صدور صحیح برگه رأی و سیستم رایانه، امنیت اتاقک‌ها و جعبه‌های رأی‌گیری، مراقبت از امکانات و تجهیزات رأی‌گیری، نظارت بر رأی دادن افراد نیازمند به کمک، نحوه فعالیت نمایندگان احزاب، کاندیداها و رسانه‌ها.

ب. ارائه خدمت به رأی دهندگان: در این ارتباط فعالیت‌های مختلفی باید تحت نظارت قرار گیرد. نظیر نحوه راهنمایی و هدایت رأی‌دهندگان در مسیر مشخص برای رأی دادن، نصب علامات مشخص کننده مسیر تردد و مراحل چندگانه رأی‌گیری، پاسخگویی مؤدبانه و دقیق کارکنان به رأی‌دهندگان برای انجام گزینش واقعی، کنترل کیفیت عملکرد و توانایی کارکنان در انجام وظایف، بالاخص در مواقع بروز اختلافات و مشکلات و تلاش برای رفع آنها، کنترل صفوف رأی‌دهندگان در مراحل مختلف، وجود پوسترها و کتابچه‌های راهنما برای هدایت رأی‌دهندگان، کیفیت امکانات رفاهی و بهداشتی (میز، صندلی، مبلمان، خودکار، وسایل گرم‌کننده و سردکننده، سرویس‌های بهداشتی، امکانات پزشکی و غیره بویژه برای ناتوانان، سالمندان، بیماران، معلولان).

### ۳-۲-۵. اختتام رأی‌گیری:

رأی‌گیری در ساعت مقرر با دستور رئیس حوزه خاتمه می‌یابد و در ورودی حوزه بسته؛ اما باید از افراد داخل حوزه رأی‌گیری به عمل آورده شود. پس از اخذ رأی آخرین نفر، رأی‌گیری به اتمام می‌رسد. اقدامات و فعالیت‌های مورد نظارت در این مرحله عبارتند از: اعلام رسمی اختتام رأی‌گیری و اخطار به رأی‌دهندگان خارج از حوزه، چند دقیقه قبل از بسته شدن شعبه، اختتام رأی‌گیری در ساعت مقرر، اخذ رأی رأی‌دهندگان حاضر در شعبه، مراقبت و حصول امنیت اسناد و مدارکی نظیر بستن جعبه‌های اخذ رأی، جمع‌آوری فهرست رأی‌دهندگان، جمع‌آوری پاکت‌های رأی و تجهیزات رأی‌گیری و برگه‌های رأی استفاده نشده و فاسد شده، تطبیق برگه‌های رأی استفاده شده، نشده و فاسد شده با آمار اولیه و ته برگ‌ها، بسته‌بندی تجهیزاتی که موقع شمارش لزومی ندارد، کنترل و نظارت بر نقل و انتقال جعبه‌های رأی.

### ۳-۲-۵. مراحل بعد از اخذ رأی:

بعد از اتمام رأی‌گیری، شاید دقیق‌ترین نوع نظارت ضرورت می‌یابد، به جهت اینکه نتیجه آرای شمارش و تجمیع می‌گردد و به نوعی تضمین حقوق انتخاباتی و سلامت انتخابات در شمارش و اعلام دقیق نتیجه آراء نهفته شده است.

### ۱-۳-۵. شمارش آراء:

مرحله حساس و پیچیده انتخابات، شمارش آراء می‌باشد. البته میزان و درجه پیچیدگی آنان بستگی به نوع نظام انتخاباتی، نحوه توزیع کرسی‌های پارلمان، تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه، فرمول و سطح تکنولوژی بکار گرفته شده در آن دارد. در هر حال، ناظران باید با نهایت دقت و دانش و مهارت خود بر این مرحله نظارت کاملی را انجام دهند. چون بیشترین احتمال و امکان تقلب در این مرحله وجود دارد.

### ۲-۳-۵. اعلام نتایج:

هنگام قرائت آراء و شمارش برگه‌های رأی ناظران باید نهایت دقت خود را مصروف دارند تا آرای درست به نفع هر کاندیدا و حزب، شمرده شود. لذا فعالیت‌های مختلفی در این مرحله باید تحت نظارت قرار گیرد؛ نظیر: انطباق قرائت با ثبت آراء، کنترل مجریان هنگام توزیع آراء به نفع هر کاندیدا و حزب، اطمینان از صحت قرائت محتویات رأی، ارزیابی کیفیت تکنولوژی بکار گرفته شده برای شمارش، دقت در جدول بعدی و گردآوری آراء، حضور افراد مجاز هنگام شمارش، اعلام نتایج موقت و قطعی، انطباق نتایج اعلامی با نسخه‌های شمارش تهیه شده در حوزه رأی‌گیری، نظارت بر الصاق یک نسخه از نتایج اولیه در محل رأی‌گیری، رسیدگی به شکایات و اعتراضات و ثبت کلیه وقایع هنگام شمارش.

## ۶. نمونه‌های مدیریت نظارت بر انتخابات در کشورهای مختلف

در اکثر کشورها، به جهت تثبیت نظام مردم‌سالاری، نظارت بر انتخابات امری بدیهی است؛ اما با شیوه‌ها و روش‌های متنوعی اعم از ساختار، قلمرو، سازوکارها مواجه می‌باشد. قاعدتاً بهره‌مندی از تجربیات کشورهای صاحب سبک انتخاباتی، قانونگذاران و سیاستمداران را در دستیابی به الگوی مطلوب نظارت بر انتخابات جهت تحقق انتخابات آزاد و منصفانه رهنمون خواهد کرد. بر این اساس، به برخی از مدل‌های نظارت بر انتخابات در کشورهای مختلف پرداخته می‌شود.

گزینش یک مدل و ساختار ویژه برای مدیریت انتخابات تا حدودی بستگی به نوع ساختار سیاسی و اداری یک کشور دارد. با بررسی قوانین و مقررات اساسی و انتخاباتی کشورهای زیادی، سه

مدل ساختاری برای نظام مدیریت انتخابات استخراج شده است: ۱. مدل مستقل؛ ۲. مدل حکومتی؛ ۳. مدل ترکیبی.

### ۱-۶. مدل مستقل<sup>۱</sup>:

این مدل در کشورهایی وجود که انتخابات در آنها توسط یک نهاد مدیریت انتخاباتی مستقل از ساختار قوه مجریه با بودجه و وظایف و اختیارات مستقل، اداره می‌شود. از این رو، این نهاد در مقابل قوه مجریه پاسخگو نمی‌باشد؛ اما می‌تواند در برابر پارلمان، قوه قضائیه یا رئیس کشور پاسخگو باشد. برای تأمین استقلال این نهاد مؤلفه‌های ضروری و تکمیلی لازم است. از جمله مؤلفه‌های ضروری می‌توان به مواردی مهمی اشاره نمود؛ نظیر: «مستقل بودن از قوه مجریه از لحاظ سازمانی، انجام وظایف به طور کامل با پذیرش مسئولیت تام، اتخاذ خط‌مشی‌ها و سیاست‌های انتخاباتی در چارچوب قانونی بطور مستقل، تشکیل شدن از افرادی خارج از قوای حکومتی بالاخص، قوه مجریه، امنیت و مصونیت شغلی اعضا، استقلال در مدیریت بودجه و هزینه‌ها و مستقل از دولت، استقلال در تأمین پرسنل، سیاست‌ها و کلیه نیازهای مقتضی و مؤلفه‌هایی تکمیلی نظیر: داشتن شخصیت حقوقی (مثل آذربایجان، کنیا، لیتوانی)، پاسخگو بودن به قوه مقننه، قضائیه یا رئیس کشور، دارا بودن سطحی از پاسخگویی و استقلال مالی (پیشنهاد، دریافت و خرج بودجه با حداقل کنترل و نظارت توسط قوه مجریه)، تنظیم چارچوب قانونی و اصلاحات لازمه انتخاباتی، صلاحیت استخدام پرسنل و سازماندهی تشکیلاتی، اعضای غیر حزبی و سیاسی، دوره و مدت خدمت معین و مقرر شده، امکان انتخاب پرسنل از میان مستخدمین عمومی» (Wall, ۲۰۱۶: ۲). برخی از کشورهایی که این نمونه را انتخاب نموده‌اند؛ عبارتند از: آلبانی، ارمنستان، استرالیا، بوسنی، کانادا، کاستاریکا، بوکینافاسو، استونی، گرجستان، هند، اندونزی، لیبیا، نیجریه، لهستان، آفریقای جنوبی، تایلند، اروگوئه.

الف. مزایا: ۱. ایجاد هماهنگی و انسجام در خصوص برگزاری انتخابات، تأمین پرسنل و امکانات مورد نیاز؛ ۲. آزادی عمل در بهره‌مندی از ظرفیت‌های بیرونی و متخصص در برگزاری بهتر انتخابات؛ ۳. استقلال در اجرای انتخابات و مسائل مالی و اداری؛ ۴. به دلیل دور بودن از نفوذهای سیاسی و جناحی، مشروعیت و منصفانه بودن انتخابات بهتر تأمین می‌گردد.»

---

1. Electoral Management Body

ب. معایب: «۱. به علت مستقل بودن امکان دور ماندن از چارچوب نظام تصمیم‌گیری عمده سیاسی و انتخاباتی توسط مقامات و نهادهای ذی‌صلاح وجود دارد؛ ۲. عدم داشتن نفوذ کافی و مقتضی سیاسی برای دریافت بودجه لازم و به موقع؛ ۳. از بین رفتن انسجام و هماهنگی بین اعضا به علت دوره‌ای بودن و عدم انتقال تجربیات؛ ۴. امکان عدم وجود مهارت‌ها و توانایی‌های مدیریتی و اداری لازم؛ ۵. پرهزینه بودن به علت داشتن ساختار و تشکیلات و پرسنل مجزا از دولت» (IDEA, Management..., ۲۰۱۶: ۲۱).

#### ۲-۶. مدل حکومتی:

این مدل در کشورهایی وجود دارد که انتخابات توسط قوه مجریه سازماندهی و مدیریت می‌شود که اکثراً یک وزارتخانه خاص (نظیر وزارت کشور) و یا مقامات محلی متولی برگزاری انتخابات می‌شوند. در این مدل کمیسیون‌های انتخاباتی بصورت سلسله‌مراتبی و در نهایت در برابر کابینه دولت پاسخگو هستند. برخی کشورهایی که مدل حکومتی را برگزیده‌اند عبارتند از: دانمارک، نیوزلند، سنگاپور، سوئیس، تونس، بریتانیا، آمریکا. مؤلفه‌های ضروری حکومتی بودن این مدل عبارت می‌باشند از: «۱. قرار گرفتن در سازمان تشکیلاتی دولت (ملی یا محلی)؛ ۲. انجام وظیفه هدایت و مدیریت قوه مجریه؛ ۳. پاسخگویی کامل اداری، مالی و سیاسی به قوه مجریه؛ ۴. محدودیت اختیارات در اجرای انتخابات؛ ۵. اجرای انتخابات به کمک سایر دستگاه‌های دولتی؛ ۶. تحت فرمان و مدیریت وزیر کشور یا خدمات عمومی و داخلی؛ ۷. اختلاط بودجه آنها در بودجه دولت؛ ۸. متشکل از مستخدمین عمومی است. مؤلفه‌های تکمیلی این مدل عبارت‌اند از: ۱. می‌تواند عناوین یک مقام انتخاباتی یا دپارتمان و یا نهاد انتخاباتی را داشته باشد؛ ۲. تقسیم مسئولیت اجرای انتخابات با سایر مقامات مرکزی و محلی؛ ۳. انتصاب اعضا و دبیر توسط قوه مجریه یا مقام عالی دولت؛ ۴. معمولاً دوره زمانی معینی ندارد؛ ۵. امکان انتخاب پرسنل خارج از مستخدمین عمومی بطور موقت» (IDEA, Management..., ۲۰۱۶: ۱۳).

الف. مزایا: «۱. دائمی بودن ۲. امکان دسترسی به پرسنل و نظام دیوان‌سالاری با تجربه ۳. توانایی هماهنگی و مشارکت سریع با دیگر بخشهای حکومتی در فراهم آوردن امکانات مقتضی برای

برگزاری انتخابات ۴. هزینه‌های کمتر به علت قرار گرفتن در لایه قوه مجریه ۵. دارای قدرت و توانایی و نفوذ بسیاری در درون دولت ۶ امکان تصمیم‌گیریهای قاطع و با نفوذ.

ب. معایب: ۱. اعتبار، اصالت و بی‌طرفی انتخابات به جهت اعمال نفوذهای سیاسی و حزبی ممکن است از بین برود؛ ۲. از جهت بودجه و سیاست‌های انتخاباتی تحت تبعیت تصمیمات داخلی بخش‌های مختلف دولتی یا مقامات محلی است؛ ۳. ممکن است کارمندان و پرسنل متخصص به علت استفاده از مستخدمین عمومی در آنها وجود نداشته باشد؛ ۴. پراکندگی مدیریت انتخابات میان بخش‌های مختلف قوه مجریه نظیر وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخش‌ها و غیره (IDEA, Management..., 2016: 22).

ج. مدل ترکیبی: در این مدل، ساختار مدیریت انتخابات دوگانه یا دوساختاری است: یک ساختار سیاسی و سیاستگذار که خصیصه نظارتی و کنترلی دارد و مستقل از قوه مجریه می‌باشد (نظیر مدل مستقل)، و یک ساختار اجرایی در سازمان دولت ملی یا محلی (نظیر مدل حکومتی)، در این نوع، اجرای انتخابات به عهده ساختار حکومتی و نظارت و کنترل به عهده ساختار مستقل است. کشورهای نظیر فرانسه، ژاپن، اسپانیا، مالی، سنگال، توگو، از این مدل تبعیت نموده‌اند.

الف. مزایا: ۱. تداوم و همیشگی این نهاد موجب استحکام برگزاری انتخابات می‌شود؛ ۲. در اختیار داشتن امکانات و پرسنل کافی و مقتضی؛ ۳. هماهنگی ساختار اجرایی با دستگاه‌های دولتی برای برگزاری بهتر انتخابات و استفاده از امکانات آنها؛ ۴. مستقل بودن ساختار مستقل در سیاست‌ها و امور مالی؛ ۵. کم‌هزینه بودن بودجه ساختار اجرایی؛ ۶. نظارت دوگانه انتخابات توسط ساختار مستقل (بیرونی) و قوه مجریه (داخلی) (IDEA, Management..., 2016: 22).

ب. معایب: ۱. تداخل وظایف و اختیارات دو ساختار بطور مشخص و ایجاد تعارضات و مشکلات عملی در اجرای انتخابات؛ ۲. دخالت در وظایف یکدیگر در برخی حوزه‌ها؛ ۳. عدم تفکیک دقیق وظایف نظارتی و اجرایی؛ ۴. عدم هماهنگی و انتقال تجربیات در ساختار مستقل؛ ۵. تابع بودن ساختار اجرایی در امور مالی و سیاست‌های انتخاباتی؛ ۶. ساختار مستقل می‌تواند فاقد تجربه و مهارت‌های لازم برای مدیریت انتخابات باشد؛ ۷. پراکنده شدن وظایف مدیریت انتخابات در بخش‌های مختلف دولت.

بر اساس پژوهش انجام شده توسط مؤسسه بین‌المللی IDEA از ۲۱۴ کشور، ۵۵ درصد مدل مستقل، ۲۶ درصد از مدل حکومتی و ۱۵ درصد از مدل ترکیبی تبعیت نموده‌اند و ۴ درصد بقیه مربوط به کشورهایی است که انتخابات در سطح ملی ندارند (IDEA, Management..., 2016: ۱۴).

### نتیجه‌گیری

کنترل - پاسخگویی نظام سیاسی و اداری، از جمله مؤلفه‌های زمامداری مطلوب و دولت قانونمند است. فرایند تصدی قدرت از مسیر انتخابات نیز تحت چنین غایتی در حقوق عموم قرار گیرد. سازماندهی کارآمد انتخابات مستلزم وجود نهاد مدیریت اجرایی، مدیریت نظارت و مرجع حل و فصل دعاوی انتخاباتی است. چنین مدیریتی باید بر اساس اصول و قواعد انتخابات منصفانه و قانونمند انجام شود تا حقوق انتخاباتی تضمین گردد. لازمه انتخابات سالم، وجود سازوکارهای نظارتی با صلاحیت عام در کلیه مراحل انتخابات می باشد. در راستای پاسخ‌دهی به پرسش مقاله، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سلامت انتخابات در گرو نظارت بر انتخابات توسط شهروندان، نهادهای مدنی، بازیگران انتخاباتی و مفهومی عام و مطلق از مدیریت نظارتی متخصص، قانونمند، شفاف، بی‌طرف و مستقل از نهاد اجرایی انتخابات و سایر نهادهای حکومتی است و زمانی غایات نظارت بر انتخابات محقق می‌گردد که نهاد ناظر کل فرایند انتخابات در مرحله قبل، حین و بعد از رای‌گیری را مورد نظارت قرار داده و کلیه اقدامات و تصمیمات مجری انتخابات را مورد نظارت از نوع تأییدی، اصلاحی و ابطالی قرار داده و به عنوان فصل‌الخطاب و مرجع نهایی در امر انتخابات، کلیه اعتراضات، شکایات و اختلافات انتخاباتی را در پرتو اصول انتخابات منصفانه و رقابتی رسیدگی نماید.

مهم‌ترین دستاورد تثبیت نظارت کارآمد بر انتخابات، استقلال ساختاری و تصمیم‌گیری نهاد ناظر می‌باشد؛ چرا که تحقق انتخابات رقابتی و منصفانه، مستلزم وجود مدیریت نظارت بی‌طرف، غیر جانبدار و مستقل از ذینفعان انتخاباتی است. تجربه اکثر کشورهای مردم‌سالار نشان می‌دهد که نهاد ناظر از لحاظ ارگانیک و صلاحیت تصمیم‌گیری و اعمال وظایف و اختیارات مستقل از بازیگران و منتفعین انتخابات می‌باشد.



## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی:

- اسلام‌پناه، میثم (۱۳۹۳): شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات، چاپ اول، تهران: تعالی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹): اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟ چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۴): ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.
- خسروی، حسن (۱۳۸۷): حقوق انتخابات دموکراتیک، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- خلیلی، عبدالرضا (۱۳۹۱): انتخابات، تعادل و ثبات سیاسی، چاپ اول، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
- رنلدز، اندرو و همکاران (۱۳۹۱): دانشنامه نظام‌های انتخاباتی، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صمدی، سعید (۱۳۷۴): بررسی تطبیقی قانون انتخابات ۱۱۰ کشور جهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم سیاسی.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۲): حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ چهارم، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کارور، ریچارد و آلپرن، ژوهانسون (۱۳۹۴): رسانه و انتخابات، محمدتقی دلفروز، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای چ اول.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۳): فلسفه فضیلت، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ دوم، تهران: نقش و نگار.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸): بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- گودوین گیل، گای.اس (۱۳۷۹): انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، ترجمه سیدجمال سیفی و سید قاسم زمانی، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- معین، محمد (۱۳۹۰): فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات ناس.
- مولانا، حمید (۱۳۸۲): جامعه مدنی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نیکزاد، عباس (۱۳۹۳): نظارت استصوابی، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.

### ب. منابع انگلیسی:

- Brahm, Eric (2004); "Election Monitoring", September , www. Beyond intractability .org / essay / election – monitoring.
- Bjornlund, Eric (2004); Beyond Free and Fair: Monitoring Election and Building Democracy , Washington, D.C: Woodrow Wilson Center Press.

- Council of Europe (2003); "Guidelines for Observation of Election by The Parliamentary Assembly of the Council of Europe", [http://assembly.ce.int/Election observation / observation - Guidlins.htm](http://assembly.ce.int/Election%20observation/observation-Guidlins.htm).
- Forging Affairs Administer of USA (2007); "Right to Vote". [www.Suinfo.State.gov/Persian/ products Right-to -vot.html](http://www.Suinfo.State.gov/Persian/products%20Right-to-vot.html).
- Franck. Thomas (1992); "The Emerging Right to Democratic Governance", American Journal of International Law, Vol, 86.
- Harrop, Martin and Miller W.L.(1987); Election and Voter: A Comparative Introduction, London: Macmillan Press.
- Council of Europe (2003); "Guidelines for Observation of Election by The Parliamentary Assembly of the Council of Europe", [http://assembly.ce.int/Election observation / observation - Guidlins.htm](http://assembly.ce.int/Election%20observation/observation-Guidlins.htm).
- International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA) (1999); "The Future of International Electoral Observation: Lessons Learned and Recommendations", Copenhagen, Denmark, [http://idea.int/publications / the - further ..... pdf](http://idea.int/publications/the-further-....pdf)
- IDEA (2005); "Election Guidelines for Determining Involvement in International Election Observation Stockholm, Sweden, [www. idea. Int / publications / guidelines ..... pdf](http://www.idea.int/publications/guidelines-....pdf).
- IDEA (1997); "Code of Conduct for Ethical and Professional Administration of Election", <http://www.idea.int/publications>.
- IDEA (2000); "Election Guidelines for Determining Involvement in International Election Observation Stockholm, Sweden, [www. idea. Int / publications / guidelines ..... pdf](http://www.idea.int/publications/guidelines-....pdf).
- IDEA (2005); " The Basics of Election Observation", [www. idea. intr basics. Pdf](http://www.idea.int/intr-basics.Pdf).
- IDEA (2003); "Ethical and Professional Observation of Election", [www. int- idea.se. pdf](http://www.int-idea.se.pdf).
- IDEA (2002); "International Electoral Standard", [http://www.idea.int/publications/ ies/ upload /electoral\\_guidelines-2.pdf](http://www.idea.int/publications/ies/upload/electoral_guidelines-2.pdf).
- IDEA, Electoral Management Design Handbook, 2016, [www.idea.int/sites/ default/files/publications/electoral-management-design-2016.pdf](http://www.idea.int/sites/default/files/publications/electoral-management-design-2016.pdf)

- Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR)(2005), Election Observation Handbook (fifth edition), Warsaw; Poland, [www.osce.org/publications/odhir/2005/04/14004-240-en.pdf](http://www.osce.org/publications/odhir/2005/04/14004-240-en.pdf).
- Orend, Brian (2002); Human Rights; Concept and Context, Toronto: Broadview Press.
- Peterson, Jan (2006); "Mechanisms for Election Observation", OSCE, [www.osce2006.be/fr/pdf/Election-observation-mechanisms.pdf](http://www.osce2006.be/fr/pdf/Election-observation-mechanisms.pdf).
- Rose, Richard (2000); The International Encyclopedia of Elections, Oxford: Macmillan Press.
- Tostensen, Arne (2000); "Election Observation as Informal Means of Enforcing Political Rights", University of Bergen, [www.cmi.no/publication/file.pdf](http://www.cmi.no/publication/file.pdf).
- United Nations (2005); "Declaration of Principles and Code of Conduct for International Election Observation", New York, [www.osce.org/documents/odhr/2005/11/16968-en.pdf](http://www.osce.org/documents/odhr/2005/11/16968-en.pdf).
- Union Africa (1990); "Guidelines for Electoral Observation and Monitoring Mission Addis Ababa", [www.Africa-union.Org/News-Events/.../Guidelines.Pdf](http://www.Africa-union.Org/News-Events/.../Guidelines.Pdf).
- Szolnoki, Zsolt (2005); "Election Observation and Legal Remedy in Election Process", [www.aceeeo.org/projects/doc/szolnoki-election-observation.doc](http://www.aceeeo.org/projects/doc/szolnoki-election-observation.doc).
- Wall, Alan and Others, "Electoral Management", 2016. [www.aceproject.org](http://www.aceproject.org).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی